

مقایسه میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه^۱

دکتر حسین هرسیج*

مجتبی تویسرکانی**

تاریخ دریافت: ۸۸/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۱/۲۷

چکیده

مهم‌ترین میراث سیاست خارجی دولت بوش برای اوپاما، وجهه عمومی بسیار ضعیف ایالات متحده در جهان به‌ویژه در میان مسلمانان و در خاورمیانه است؛ به همین دلیل، اوپاما یکی از ارکان «راهبرد تغییر» خود را، احیای مدیریت نرم/فزاری آمریکا در سطح بین‌المللی معرفی کرده است. منطقه خاورمیانه، اولویت اعمال چنین سیاستی برای ایالات متحده خواهد بود؛ زیرا بیزاری عمومی از آمریکا، تنفر از سیاست‌های این کشور در خاورمیانه را منعکس می‌کند. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران نیز بر پایه اشتراکات فراوان تاریخی، فرهنگی و مذهبی با کشورهای خاورمیانه‌ای، از قدرت نفوذ مناسبی در منطقه برخوردار است.

هدف از انجام این پژوهش، مقایسه شیوه اعمال مؤلفه‌های نرم/فزاری دو قدرت ایران و آمریکا در خاورمیانه و نیز بررسی میزان اثربخشی قدرت نرم این دو کشور در منطقه و تأثیرپذیری افکار عمومی جوامع خاورمیانه‌ای از رویکردهای قدرت نرم ایران و آمریکاست. برای این منظور رویکرد غربی، طرح و تحلیل شده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شیوه اعمال قدرت نرم آمریکا و نفوذ به جوامع خاورمیانه‌ای، روندی غیرطبیعی، اما برای جمهوری اسلامی ایران روندی طبیعی است.

واژگان کلیدی

قدرت نرم، افکار عمومی، نفوذ، خاورمیانه، جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا

harsij@yahoo.com

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

mojtaba5977@yahoo.com

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

مقدمه

هم‌زمان با ورود به هزارهٔ سوم میلادی و به دلیل تغییر ماهیت سیاست‌های بین‌المللی، منابع قدرت نیز تحوّل یافته و اشکال نامحسوس قدرت از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. در واقع، تحوّل بستر قدرت در سیاست بین‌الملل باعث گردیده تا قدرت از خاستگاه اصلی خود تغییر مکان داده و جوامع نیز قدرت‌مندی را نه در گرو منابع صرفاً مادی قدرت، بلکه در توانایی تغییر رفتار دولت‌های دیگر به حساب آورند. این بعد از قدرت، قدرت نرم خوانده می‌شود که محصول و برآیند کسب اعتبار بین‌المللی و تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران است. قدرت نرم، توجه به اشغال فضای ذهنی شهروندان دیگر جوامع از طریق ایجاد اقتناع است و هدف آن در درجهٔ اول، افکار عمومی خارج است. در قدرت نرم باید چگونگی نگرش دیگران را نسبت به خویش بررسی کرد، نه اینکه ما به دیگران چگونه نگاه می‌کنیم.^۲

در سطح تحلیل منطقه‌ای و نفوذ معنوی ایران بر کشورهای هم‌جوار، جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت‌های بالایی در این خصوص بهره‌مند است که پیش از بازشناسی محتوای اندیشه‌ورزی و قدرت نرم‌افزاری ایران در عرصه‌های جهانی، باید به تجزیه و تحلیل این بخش از قدرت نرم ایران در سطح منطقه‌ای و به‌ویژه خاورمیانه پرداخت. مقایسهٔ میزان و چگونگی اعمال قدرت نرم ایران و آمریکا در منطقهٔ خاورمیانه نیز طی این مقاله در همین راستا و به‌منظور تعیین و افزایش گسترهٔ اثربخشی این بعد از قدرت جمهوری اسلامی ایران صورت می‌پذیرد. از سوی دیگر، از آنجاکه نظریهٔ قدرت نرم برای اولین بار پیرامون منابع قدرت ملی ایالات متحده شکل گرفت و بیشترین مباحث را نیز در خصوص سیاست خارجی آمریکا شامل می‌شود، داشتن نگاهی مقایسه‌ای بین منابع و منافع قدرت نرم ایران و آمریکا، کمک شایانی برای شناخت دقیق نقش و جایگاه قدرت نرم ایران در دو سطح منطقه‌ای و جهانی خواهد بود.

۱. بیان هدف و مسئله پژوهشی

مقایسهٔ شیوه‌ها و ابزارهای اعمال مؤلفه‌های نرم‌افزاری دو قدرت ایران و آمریکا در خاورمیانه و نیز بررسی میزان اثربخشی قدرت نرم این دو کشور در منطقه و تأثیرپذیری

افکار عمومی جوامع خاورمیانه از رویکردهای قدرت نرم ایران و آمریکا، نمای کلی نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد. بنابراین، محور اصلی و مسئله اساسی تحقیق عبارت است از اینکه «چه تفاوتی میان ایران و آمریکا در کاربرد مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرتشان در خاورمیانه وجود دارد و نیز تأثیرپذیری افکار عمومی کشورهای منطقه از قدرت نرم کدام‌یک از این دو کشور بیشتر است؟».

۲. فرضیه

پاسخ اولیه (فرضیه)‌ای که در جواب سؤال اصلی تحقیق مطرح شده، این است که شیوه اعمال قدرت نرم آمریکا و نفوذ به جوامع خاورمیانه‌ای طی فرایند طولانی شکل گرفته است؛ اما برای جمهوری اسلامی ایران روندی است که با در نظر گرفتن قرابت جغرافیایی، سوابق تاریخی و پیوندهای مشترک فرهنگی و مذهبی، شکل گرفته و واکنشی در قبال توجه غرب به این بعد از قدرت در کشورهای مسلمان است. همچنین اثربخشی قدرت نرم آمریکا در میان افکار عمومی خاورمیانه به میزان بسیار زیادی ناشی از شعارهای جدید آمریکا و روی کار آمدن اوباما است. لذا مقوله‌ای اقتضایی و موردی به شمار می‌آید. اما محبوبیت جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه تقریباً ثابت بوده و مبتنی بر اصول و مبانی‌ای اعتقادی و رفتاری است که با ماهیت انقلاب اسلامی مرتبط است.

۳. روش تحقیق

روش تحقیق در این نوشتار، تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای است که به مقایسه شیوه و میزان قدرت نرم ایران و آمریکا در جوامع خاورمیانه‌ای می‌پردازد. همچنین از آنجاکه در تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای، اطلاعات جمع‌آوری شده به صورت توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، از روش توصیفی - تحلیلی نیز در مراحل توصیف و تبیین مسئله پژوهشی بهره خواهیم برد. به این ترتیب در بخش یافته‌های تحقیق، مؤلفه‌های قدرت نرم ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه به صورت توصیفی و آماری بیان شده و تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز عمدتاً با شیوه استدلال و تحلیل کیفی در چارچوب متغیرهای موجود در نظریه «قدرت نرم از جوزف نای» انجام پذیرفته است.

با توجه به ماهیت و موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اینترنتی و بهره‌گیری از منابع خبری با تکیه بر داده‌های عینی-تاریخی صورت پذیرفته و سعی شده است تا از معتبرترین و جدیدترین اطلاعات آماری و توصیفی مراکز مطالعاتی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده شود. نکته قابل توجه آنکه در این مقاله رویکرد غربی ملاک بوده و لذا داده‌های مربوط به سازمان‌های غربی شناسایی، طرح و تحلیل شده تا مشخص شود که یافته‌های غربی تا چه میزان نفوذ جمهوری اسلامی ایران را پذیرفته و باور دارند و برای آمریکا چه رتبه‌ای را قبول دارند. لذا گرچه گرایش غربی در این آمارها موجود است، اعتراف به نفوذ ایران درخور توجه و مؤید فعالیت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است.

۴. قدرت نرم

در کلی‌ترین سطح، قدرت به معنای توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران به‌منظور رسیدن به نتایج دلخواه خویش است. چندین راه برای تحت تأثیر قرار دادن رفتار دیگران وجود دارد: می‌توان آن‌ها را با تهدید و یا اعمال نیروی قهریه مجبور به انجام کاری کرد؛ می‌توان با کاربرد منابع اقتصادی دیگران را وادار به تبعیت نمود؛ و یا اینکه با بهره‌گیری از مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت، آن‌ها را جذب و با خود همراه کرد (Nye, 2004a). ابعاد نرم‌افزاری قدرت یا نرم‌افزارگرایی^۳، اصطلاحی است که از دیدگاه جوزف نای، نظریه‌پرداز آمریکایی در زمینه ضرورت بهره‌گیری ایالات متحده از منابع قدرت نرم گرفته شده است. مفهوم قدرت نرم را می‌توان در کارهای هانس جی مورگنتا، کلوس کنوره^۴ و رای کلاین^۵ ردیابی کرد (Gill & Huang, 2006, p.18). اما همان‌گونه که در سال‌های اخیر جوزف نای آن را خلاصه کرده، قدرت نرم بر مبنای توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران استوار است که عمدتاً با مقوله‌های نامحسوس و ناملموسی همچون جاذبه‌های شخصیتی، فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی و سیاست‌های جذاب که مشروع تلقی می‌گردد، مرتبط است (Nye, 2004b, p.6). بر این اساس، قدرت نرم چیزی فراتر از قدرت فرهنگی است و دیگر اینکه به اندازه قدرت

سخت، وابسته به دولت و تنها در چنبره حکومت نیست (Nye, 2002, p.556) و فرهنگ عمومی جامعه تأثیر فراوانی بر آن دارد.

در واقع، قدرت سخت یا در کاربرد ابزارهای نظامی، اعمال زور، بازدارندگی، تهدید و ارعاب، جنگ و سیاست زورمدارانه جلوه می‌کند یا در اعمال قدرت اقتصادی، تحت فشار مالی گذاشتن، تحریم اقتصادی، رشوه دادن، کمک‌های مالی و تشویق و تهدید اقتصادی خود را نشان می‌دهد. اما قدرت نرم، سرشتی دیگر دارد و خود را از راه جذابیت، فریبندگی، برنامه‌ریزی فرهنگی، ترویج رشته‌ای از ارزش‌ها به میانجی رسانه و نیز دیپلماسی عمومی و چندجانبه آشکار می‌سازد. بنابراین، قدرت نرم یعنی توانایی دولت‌ها برای دستیابی به هدف دلخواه خود از راه اقناع و کشش، و نه از طریق اعمال زور یا پرداخت پول است (Nye, 2004c, p.257). دیپلماسی عمومی نیز به‌مثابه بازوی اجرایی قدرت نرم، به معنای تأثیرگذاری بر نگرش‌های عمومی توسط دولت در کشورها و جوامع دیگر از طریق کاربرد ابزارهای بین‌فرهنگی و ارتباط بین‌المللی در سیاست خارجی است (آشنا، ۱۳۸۴، ص ۱۵).

اگرچه سابقه طرح نظریه قدرت نرم به سال‌های پس از فروپاشی نظام دوقطبی باز می‌گردد، اما این بعد از قدرت از دیرباز مورد توجه رهبران سیاسی و دولت‌ها بوده است؛ به‌طوری‌که انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) به‌عنوان نهضت الهی، فراگیر و مبتنی بر مدار فطری پاک بشری، سال‌ها پیش توانست اهمیت بعد نرم‌افزاری قدرت را به منصفه ظهور برساند و به‌عنوان انقلابی در ارزش‌ها و هنجارها به فرهنگ‌سازی در عرصه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مبادرت ورزد.

امام خمینی (ره) به‌درستی معتقد بود که دولت‌های اسلامی باید در همه ابعاد مستقل باشند و از سلطه دیگر قدرت‌ها خارج گردند. بنابراین، از آنجاکه قدرت نرم بیش از آنکه دولت‌ها را هدف قرار دهد، مردم را نشانه می‌گیرد، امام نیز جهت‌رهایی کشورهای مسلمان از یوغ استعمار شرق و غرب، بیشترین توجه خود را به مردم ستمدیده کشورهای مسلمان معطوف داشت و بدین ترتیب، ارتباط با ملت‌های مسلمان منطقه، اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گشت.^۷

۵. قدرت نرم ایالات متحده در خاورمیانه

دولت بوش در پی رویدادهای یازده سپتامبر، با این باور که اقدامات پیشین این کشور برای فراهم آوردن یک سیستم امنیتی در خاورمیانه با شکست روبه‌رو شده است، به کاربرد زور در منطقه از نظر امنیتی برتری بخشید. نمونه بارز چنین رویکردی، یورش خودسرانه نیروهای این کشور و برخی از هم‌پیمانانش به عراق و راه انداختن جنگ سوم خلیج فارس بود. بدین‌سان، دوران پس از جنگ سوم خلیج فارس را می‌توان عصر حضور فزاینده نیروهای آمریکایی در منطقه دانست.

با وجود این، در مواجهه با چالش‌هایی که طی جریان مبارزه با تروریسم به‌ویژه در منطقه خاورمیانه برای نومحافظه‌کاران آمریکایی ایجاد شده بود، موضوع استفاده از مؤلفه‌های نرم‌افزاری ایالات متحده و دیپلماسی عمومی به تفصیل مورد بحث اندیشمندان و سیاست‌مداران این کشور قرار گرفت. در واقع، تبیین موضوع قدرت نرم از سوی محافل علمی و سیاسی ایالات متحده را باید پاسخی به تهدیدها و خطرهای امنیتی آمریکا در حوزه‌های جغرافیایی مختلف از جمله خاورمیانه دانست. تجدید ساختار کمیسیون مشورتی دیپلماسی عمومی و تشکیل دفتر ارتباطات جهانی در کاخ سفید و ایجاد پست مشاور رئیس‌جمهور در امور ارتباطات جهانی در شورای امنیت ملی نشان از اهمیت یافتن موضوع دیپلماسی عمومی آمریکا در خاورمیانه در آن برهه از زمان دارد.

در آن مقطع زمانی، مهم‌ترین آماج سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی واشینگتن در سطوح اعلامی و اعمالی، خاورمیانه است که با توجه به ارابه‌تعریفی جدید از دشمن و منابع ناامنی و تهدیدزا، علاوه بر رویکرد سخت‌افزاری به مقوله امنیت، رویکرد نرم‌افزاری نیز نسبت به این منطقه در دستور کار سیاست‌مداران و راهبردها قرار گرفت (Gordon, 2003, pp.155-165). با وجود این، سیاست خارجی بوش در خاورمیانه تحت تأثیر رویکرد سنتی واقع‌گرایانه و بر اساس ادراک سخت‌افزاری از محیط امنیتی در منطقه، در ابعاد راهبردی و سخت‌شکل گرفت و تداوم یافت. گرچه در این دوران با توجه به تحولات ساختاری در جهان و منطقه، شرایط و ویژگی‌های متفاوتی پدیدار شد، این تحولات به تغییر منطق رفتاری حاکم بر

سیاست منطقه‌ای آمریکا منتج نگردید. در این دوران، نرم‌افزارگرایی آمریکایی در بستر حمایت از اقتدارگرایی در خاورمیانه ظاهر شد و بنابراین از جایگاه قابل توجهی در راهبرد منطقه‌ای آمریکا برخوردار نبود (سلیمانی پورلک، ۱۳۸۶، ص ۱۱۱).

بدین ترتیب، گرچه ماهیت کاربرد قدرت در سال‌های پس از پایان ساختار دوقطبی تغییر یافت، جورج بوش در طول زمامداری خود عملاً از الگوهایی بهره گرفت که به‌طور عمده مبتنی بر شاخص‌ها و نشانه‌های قدرت سخت‌افزاری بود. بر اساس چنین رویکرد و ادراکی بود که بوش در حوزه‌های مختلف جغرافیایی، از ابزارهای قدرت سخت‌افزاری استفاده کرد. می‌توان در بسیاری از بحران‌هایی که آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۸ میلادی با آن‌ها مواجه بود، انعکاس کاربرد قدرت سخت‌افزاری را مشاهده کرد (متقی، ۱۳۸۷، ص ۵۸). بوش با اتخاذ سیاست‌های تک‌روانه، غیرماهرانه، نومحافظه‌کارانه و در عین بی‌توجهی به دیدگاه‌های جهانیان، همه جاذبه‌های آمریکا را در اذهان جهانیان و داخل آمریکا به باد فنا داد. دولت بوش با پی‌گیری دکترین یک‌جانبه‌گرایی و خروج از برخی معاهدات بین‌المللی یا نیپوستن به برخی دیگر و به حاشیه راندن سازمان ملل متحد در قبال چالش‌های بین‌المللی، نظیر بی‌تحركی یا ناتوانی شورای امنیت برای تصمیم‌گیری در قبال فاجعه انسانی در غزه، عملاً نشان داد که بیشتر بر قدرت سخت تکیه دارد و این همان پاشنه آشیل سیاست خارجی دولت بوش بود که اکنون باراک اوباما^۸ و هیلاری کلینتون^۹ با طرح قدرت نرم در صدد حل آن برآمده‌اند. با روی کارآمدن اوباما، نه فقط در آمریکا بلکه در سطح جهان، بسیاری امیدوار به احیای مجدد قدرت نرم آمریکا در جهان هستند (Kennedy, 2008).

چهل و چهارمین رئیس‌جمهوری آمریکا که با تبلیغ «سیاست تغییر» سکان هدایت کاخ سفید را در دست گرفته، یکی از ارکان راهبرد تغییر خود را احیای مدیریت نرم‌افزاری آمریکا در سطح بین‌المللی معرفی کرده است. اوباما در مقاله‌ای که در اوت ۲۰۰۷ در نشریه «فارین افرز» چاپ کرد (Obama 2007, pp.2-16)، با توجه به مزایای قدرت نرم برای جایگاه بین‌المللی آمریکا، بر اهمیت آن تأکید کرده بود. در خاورمیانه نیز اوباما از طرحی کاملاً متفاوت برای منطقه سخن به میان آورده است؛ منطقه‌ای

چندقطبی که قدرت در آن، میان چند بازیگر تقسیم شده و به توازن درآمده باشد (Hijab, 2009). این رویکرد، در واقع نشانی از در پیش گرفتن عملی قدرت نرم توسط دستگاه جدید هیئت حاکمه آمریکا است.

نگرانی دولت جدید اوباما در مورد وجهه آمریکا در خاورمیانه، در حقیقت نگرانی بی‌دلیلی نیست؛ وقتی ایالات متحده در خاورمیانه چهره‌ای منفور است، دولت‌ها به خود اجازه همکاری با این کشور را نخواهند داد و به لحاظ سیاسی و تبلیغات داخلی نیز رهبران ترجیح می‌دهند با واشینگتن مخالفت کنند. این در حالی است که به‌طور هم‌زمان، انتقادهای القائده از آمریکا در خاورمیانه با استقبال عموم مواجه می‌شود و این موضوع، امکان گرایش نیروهای جدید به سازمان القائده را فراهم می‌آورد. از دیدگاه تحلیل‌گران سیاسی و اندیشمندان آمریکایی، این کشور باید به دنبال فرصت‌هایی جهت کم‌رنگ جلوه دادن پیشینه نظامی خود در خاورمیانه باشد. از این نظر، مهم نیست که رهبران آمریکا چه می‌گویند، این عوامل خواه‌ناخواه در افکار عمومی مردم خاورمیانه به‌عنوان جنبه تهدیدآمیز واشینگتن حکم شده و حاکی از نفوذ منفی آمریکا است (Kull, 2008). در این زمینه، داشتن برنامه‌ای زمانی برای عقب‌نشینی از عراق مفید خواهد بود. کلید اصلی، بیان دوباره این مسئله است که آمریکا قصد ندارد پایگاه‌های دائمی در عراق داشته باشد و هر زمان که شرایط محیا شود، عوامل و مأموریت‌های نظامی و غیرنظامی ایالات متحده باید به سازمان‌های چندجانبه بین‌المللی انتقال داده شود.

۵-۱. مؤلفه‌های راهبرد قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه

دیپلماسی عمومی ایالات متحده در راستای افزایش قدرت نرم این کشور در خاورمیانه، گروه‌های گوناگونی را هدف قرار داده است؛ از جمعیت محروم و روستایی گرفته تا نخبگان اقتصادی و سیاسی، اساتید دانشگاهی و دیگر عوامل مؤثر در اخذ تصمیم‌های محلی و ملی در کشورهای خاورمیانه. دستگاه دیپلماسی عمومی آمریکا با کنترل اطلاعات و با ابزارهایی همچون کمک مالی، جزوات و پوستره‌های تبلیغاتی، روزنامه، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، مجله، کتاب، فیلم، موسیقی، تبادل استاد و دانشجو،

گسترش صنعت گردشگری، بهره‌گیری از قابلیت‌های مهاجران، فعالیت‌های آموزشی و نیز ورود جدی به مباحث مذهبی (به‌مثابه مهم‌ترین عامل) قدرت نرم خود را در خاورمیانه اعمال می‌کند.

کمک‌های خارجی از ابزارهای مهم واشینگتن برای پیشبرد نفوذش در کشورهای خاورمیانه بوده و است؛ برای مثال، طبق گزارش شورای امنیت ملی آمریکا در طول جنگ سرد، برنامه‌های کمکی ایالات متحده به کشورهای خاورمیانه‌ای باید به‌گونه‌ای طراحی می‌شد که به اهداف روان‌شناختی دست یابد (National Security, 1952). اکنون نیز آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده^{۱۰} که وظیفه سازمان‌دهی کمک‌های مالی آمریکا را در جهان بر عهده دارد، فعالیت‌هایش را در خاورمیانه متمرکز نموده و به‌طور ویژه پنج هدف کاملاً سیاسی را دنبال می‌کند که همگی آن‌ها در راستای افزایش نفوذ و قدرت نرم ایالات متحده در کشورهای این منطقه است: بازسازی عراق و حمایت از انتقال این کشور به مردم‌سالاری؛ کمک به فلسطینیان در راه تحقق شکل‌گیری دو کشور فلسطین و رژیم صهیونیستی در کنار هم؛ ترویج اصلاحات مردم‌سالارانه؛ توسعه آموزش جوانان و کمک به آن‌ها در گرفتن نقش‌های اجتماعی؛ و حمایت از موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد در این کشورها (USAID, 2009).

قدرت نرم آمریکا در سال‌های اخیر، بر نفوذ این کشور در اذهان مردم جهان از طریق اخبار و رسانه‌ها استوار بوده است. اما در عین حال، رسانه‌های آمریکایی از خیلی پیش از این به دنبال راه‌هایی برای پیشبرد اهداف سیاسی سردمداران این کشور در خاورمیانه بوده است؛ به‌گونه‌ای که در طول دوران جنگ سرد، مقالات ضد کمونیستی نویسندگان آمریکایی بود که در مجلات ایرانی و نیز عراقی چاپ می‌شد. در این مدت، سفارت این کشور در تهران، خط‌مشی خبرنگاران به‌ظاهر مستقل این مجلات را تعیین می‌کرد و حقوق و مزایای آن‌ها نیز بر عهده برنامه تبادل آموزش و اطلاعات ایالات متحده^{۱۱} بود (United States Embassy, 1952). در حال حاضر نیز از دید راهبرده‌پردازان آمریکایی، بهترین ابزار برای تقویت قدرت نرم ایالات متحده در خاورمیانه، استفاده از رادیو و تلویزیون است که در عین حال، مشکل‌سازترین، دشوارترین و ظریف‌ترین آن‌ها نیز محسوب می‌شود. بر همین اساس، گرچه ایالات متحده از سابقه طولانی پخش

برنامه‌های رادیویی برخوردار است، پخش این برنامه‌ها برای متحدان راهبردی این کشور در منطقه بسیار دشوار است (درویش، ۱۳۸۴، ص ۱۴۸). به نظر می‌رسد که در کوتاه‌مدت، ایالات متحده برنامه‌های صدای آمریکا به زبان‌های مختلف را در خاورمیانه تقویت کند و در میان مدت، ایده تأسیس شبکه‌های تلویزیونی خاورمیانه را با احتیاط پی‌گیری نماید تا حساسیت متحدان منطقه‌ای این کشور برانگیخته نشود.

آمریکا همچنین به منظور گسترش ارزش‌های غربی به خاورمیانه، از مدت‌ها پیش راهبرد نفوذ فرهنگی و عقیدتی را در کشورهای منطقه به کار بسته است. در واقع، تعقیب جدی برنامه‌های عقیدتی ایالات متحده از جمله القای لیبرالیسم و مسیحیت، همواره جزئی از اهداف آمریکا در خاورمیانه بوده است. بر همین اساس بود که این کشور در طول جنگ سرد، علاوه بر انتشار آثار ضد کمونیستی در خاورمیانه، تعداد زیادی کتاب و جزوه شامل مباحث عقیدتی در حوزه مذهب مسیحیت و مرام لیبرالیسم روانه بازارها و کتابخانه‌های کشورهای منطقه کرد. به این منظور، سفارتخانه‌های آمریکا در منطقه، کتاب‌ها و مجلاتی را با موضوع تاریخ مذاهب، تاریخ معاصر غرب، فلسفه سیاسی و رمان به نام افراد منتشر می‌کردند که در آن هیچ اشاره‌ای به سفارت یا دولت آمریکا نمی‌شد (United States Embassy, 1951; National Security Council, 1954). در حال حاضر نیز طرح تغییر متون آموزشی و درسی کشورهای اسلامی و عربی مورد توجه جدی سیاست‌مداران آمریکایی قرار گرفته است. بر این اساس، واشینگتن سعی دارد با تغییرات در متون آموزشی کشورهای خاورمیانه، نفرت افکار عمومی این منطقه را علیه سیاست‌های این کشور کاهش و درنهایت پایان دهد. زیرا ایالات متحده احساس می‌کند علت احساسات ضد غربی در کشورهای خاورمیانه، در متون آموزشی این کشورها به‌ویژه در کانون‌های مذهبی و درسی نهفته است. بنابراین دستگاه دیپلماسی آمریکا بنا دارد برای افزایش نفوذ این کشور در خاورمیانه، با اقتدار و پویایی اسلام در منطقه مقابله کند و چهره‌های مؤثر اسلامی در منطقه را همراه با اماکن اسلامی تأثیرگذار در سرنوشت منطقه به‌تدریج از میان بردارد و در این جهت از ظرفیت‌های سیاسی خود در قالب ۱۵ سفارتخانه و بیست و سه رایزنی فرهنگی (U.S. Department of State, 2009) در پانزده کشور خاورمیانه استفاده کند. اما ناگفته

پیداست که تغییر ارزش‌ها و اعتقادات اساسی در خاورمیانه و جایگزینی فرهنگ بیگانه به‌عنوان برتر، نه تنها کمکی به افزایش نفوذ و درنهایت قدرت نرم ایالات متحده در منطقه نخواهد کرد بلکه در راستای کاهش بیش از پیش محبوبیت و اعتبار آمریکا در جوامع خاورمیانه‌ای پیش خواهد رفت.

برنامه‌های تبادل آموزشی و همکاری‌های علمی، بخش دیگری از راهبرد اعمال قدرت نرم ایالات متحده در کشورهای منطقه خاورمیانه به شمار می‌آید. چنانچه بسیار پیش از این نیز نظریه‌پردازان آمریکایی، پذیرش دانشجویان عرب در دانشگاه‌های این کشور را به‌عنوان راه حلّ مقابله با نارضایتی و سرکشی کشورهای خاورمیانه‌ای در برابر توسعه‌طلبی‌های آمریکا مطرح کرده بودند (Department of State Transcript, 1952). در همین راستا، هم‌اکنون هزاران دانشجو از کشورهای خاورمیانه در قالب برنامه‌های تبادل دانشجو در دانشگاه‌های ایالات متحده حضور داشته و بسیار بیشتر از این تعداد نیز در دانشگاه‌های آمریکایی مستقر در قاهره، بیروت، دبی و دیگر شهرهای کشورهای منطقه تحصیل می‌کنند. نکته جالب توجه این است که بر اساس آمار ارائه‌شده توسط دولت ایالات متحده، بیش از پنجاه درصد از رهبران ائتلاف علیه تروریسم را بعد از انفجارهای یازده سپتامبر، افرادی تشکیل می‌دهند که زمانی در برنامه‌های تبادل دانشجو در آمریکا تحصیل کرده‌اند (Beers, 2002). در حال حاضر، ایالات متحده با تمامی ۱۶ کشور خاورمیانه دارای قراردادهای همکاری علمی و تبادل استاد و دانشجو است.

مهاجران و مسلمانان مقیم آمریکا، یکی دیگر از اهداف دیپلماسی عمومی ایالات متحده و مؤلفه‌های قدرت نرم این کشور را تشکیل می‌دهد. روند مهاجرت از خاورمیانه به ایالات متحده، بسیار سریع‌تر از مهاجرت به این کشور به‌طور کلی است؛ درحالی‌که مسلمانان مهاجر از خاورمیانه طی سال ۱۹۷۰ میلادی تنها پانزده درصد (۲۹ هزار نفر) از کلّ جمعیت مهاجر به ایالات متحده را تشکیل می‌دادند، این رقم در سال ۲۰۰۰ میلادی به هفتاد و سه درصد رسید که معادل یک میلیون و صد هزار مهاجر مسلمان بود (D'Agostino, 2002). گرچه حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، منجر به کاهش روند مهاجرت از کشورهای مسلمان خاورمیانه به ایالات متحده گشت، مسلمانان همچنان بزرگ‌ترین گروه مهاجر به آمریکا محسوب می‌شوند. این گروه که بیشتر

تحصیل کرده، هنرمند و یا ثروت‌مندند، آمریکاییان را بر آن داشته تا با سازماندهی و برنامه‌ریزی، از آن‌ها به‌عنوان مبلغان ارزش‌های آمریکایی در سرتاسر جهان بهره‌گیرند (درویش، ۱۳۸۴، ص ۱۵۰)؛ به‌طوری‌که راثول گرش^{۱۲} (Gerecht 2002, pp.30-33)، تحلیل‌گر سابق سازمان سیا و از محققان مؤسسه امریکن اینترپرایز^{۱۳}، ایرانیان تبعیدی را بهترین بازیگران دیپلماسی عمومی و ابزار قدرت نرم آمریکا در ایران می‌داند.

گردشگرهای مسلمانی که ایالات متحده را به‌عنوان هدف گردشگری خود در نظر می‌گیرند نیز از انتخاب‌های راهبردی‌دندان قدرت نرم آمریکا محسوب می‌شوند؛ گردشگرانی که از سال ۲۰۰۳ میلادی به بعد، تعداد آنان همواره در حال افزایش بوده و از ۴۴۷ هزار گردشگر در این سال به ۶۸۱ هزار نفر در سال ۲۰۰۸ رسیده است (U.S. Department of Commerce, 2008, p.2). بررسی نتایج نظرسنجی‌ها و پاسخ‌های ابرازشده توسط گردشگران مسلمان و شهروندان خاورمیانه، نشان می‌دهد که بیشتر آن‌ها با یک ذهنیت مثبت نسبت به زمانی که وارد آمریکا شده بودند، آنجا را ترک می‌کنند که البته لزوماً به معنای موافقت آن‌ها با سیاست‌های دولت ایالات متحده نیست، اما به هر حال، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر تقویت قدرت نرم این کشور خواهد داشت که خود را در بلندمدت نشان خواهد داد. همچنین نهادهای مرتبط با سیاست‌های ایالات متحده در خاورمیانه بر این باورند که آن دسته از سیاست‌مداران و قانون‌گذاران عرب که تجربه روابط فردی با مردم آمریکا را داشته‌اند، از احساس بهتری نسبت به این کشور برخوردارند که گرچه این تعداد اندک‌اند، از اهمیت بسیاری برخوردارند (Hughes, 2007, p.12).

در مجموع، علی‌رغم تمرکز قدرت نرم ایالات متحده بر خاورمیانه، واقعیت این است که وضعیت و روند جاری در این منطقه مغایر منافع غرب و به‌ویژه آمریکاست. در طول سال‌های اخیر وجهه و موقعیت غرب تنزل پیدا کرده است. جوامع خاورمیانه‌ای بر آن شدند تا از استقلال خود دفاع کنند و بنابراین، به دخالت‌های خارجی در امور کشورهايشان بدبین‌اند؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت اشتیاق مردم خاورمیانه برای استقلال واقعی، مهم‌ترین مانع در راه اعمال قدرت نرم ایالات متحده در خاورمیانه شناخته می‌شود. آمریکاستیزی اکنون به ایدئولوژی غالب جریان‌های اجتماعی

و سیاسی جوامع خاورمیانه‌ای تبدیل شده است. ایدئولوژی آمریکاستیزی گرچه شاید شناخت درستی از نهادهای اجتماعی و سیاسی و حقوقی جامعه آمریکا نداشته باشد و فرهنگ آمریکا را به درستی نشناسد، اما به سبب سیاست خارجی امپریالیستی این کشور، تمدن و جامعه آمریکایی را یکپارچه مظهر شرارت می‌پندارد.

۶. قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه

تحولات جدید سیاسی-امنیتی و ژئوپلیتیک، ساخت قدرت و سیاست در خاورمیانه را به نفع ایران تغییر داده و همین امر، آثار و عواقب منفی بر منافع استراتژیک آمریکا در منطقه، متحدان منطقه‌ای آن در جهان عرب و موقعیت رژیم صهیونیستی داشته است. افزایش نقش و اهمیت تأثیرگذاری ایران در خاورمیانه بعد از حوادث یازده سپتامبر و بحران عراق، در درجه اول به افزایش روزافزون اهمیت مسائل خاورمیانه در نظام امنیت بین‌الملل باز می‌گردد. به همین نسبت و در درجه دوم، ایران به دلیل برخورداری از یک رشته ویژگی‌های طبیعی ژئوپلیتیک از یک سو و ساخت فرهنگی، مذهبی و تاریخی قدرت و سیاست از سوی دیگر، به‌عنوان مهم‌ترین کشور تأثیرگذار بر مسائل خاورمیانه حائز اهمیت می‌گردد (برزگر، ۱۳۸۷، صص ۶۵۴-۶۵۵).

اندکی تأمل و بررسی، گویای این واقعیت است که نفوذ معنوی و جایگاه جدید منطقه‌ای ایران به‌نحوی است که آمریکا مجبور به پذیرش آن است. به عبارت دیگر، مقامات و مؤسسات آمریکایی به این دیدگاه واحد رسیده‌اند که قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران باید از طریق قدرت و تهدیدات نرم آمریکا کنترل و مدیریت گردد. تلاش‌های اوپاما پس از حضور در کاخ سفید بر مبنای همین راهبرد، تدوین و در حال اجراست. بدیهی است شناخت دقیق این راهبرد و مجهز شدن ایران اسلامی به سازوکارهای مناسب آن ضرورتی است که امکان رویارویی با قدرت نرم آمریکا را برای ما فراهم می‌آورد (کاتب، ۱۳۸۸).

جمهوری اسلامی ایران گرچه از حیث قدرت سخت‌افزاری در جایگاه پایین‌تری نسبت به ایالات متحده قرار دارد، اما شواهد عینی نشان می‌دهد که موقعیت معنوی و فرهنگی و به‌اصطلاح قدرت نرم ایران در منطقه رو به فزونی نهاده و در حال تبدیل

شدن به یک قطب فرهنگی مؤثر در منطقه است. ایران زمینه‌ها و شرایط لازم برای کسب قدرت معنوی و ارتقای نصاب محبوبیت خود در میان کشورهای منطقه را فراهم ساخته است. دیپلماسی فعال کشور در چند سال اخیر به اتخاذ، احیا و تثبیت سیاست‌های خاصی دامن زده است که در مجموع، می‌تواند تصویرسازی مثبت از آن در افکار عمومی بین‌المللی و منطقه‌ای و زدودن برخی ابهامات، و در یک کلام هژمونی فرهنگی، کمک شایانی کند (شرف‌الدین، ۱۳۸۴، صص ۵۴-۵۶).

در سال‌های پس از اشغال عراق نیز سیاست جمهوری اسلامی ایران که عمدتاً بر پایه مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت قرار داشته، در راستای حمایت از وحدت و یکپارچگی این کشور بوده است. سفرهای مکرر رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، فعالان سیاسی و حزبی و ده‌ها تن از اعضای کابینه عراق به تهران و برعکس را می‌توان آغاز دوره‌ای جدید در روابط دوجانبه دانست. در فرصت به‌وجودآمده که تهدید صدام و حزب بعث از میان رفته، دو کشور باید با حلّ و فصل اختلافات گذشته، پایه‌های نوینی برای همکاری‌های نزدیک ایجاد کنند. با آگاهی از این واقعیت‌ها، جمهوری اسلامی ایران در شش سال گذشته تلاش داشته با استفاده از منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم بر تحولات این کشور همسایه اثرگذار باشد. این راهبرد بر مبنای تلقی ایران از عراق جدید به‌عنوان کشوری است که از نظر تاریخی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی با آن اشتراک دارد. این سیاست سعی دارد با کم‌رنگ کردن واقعیت‌های ژئوپلیتیکی و با برجسته ساختن اشتراکات تاریخی، دو کشور را به‌مثابه یک حوزه تمدنی تلقی کند؛ تمدنی که از عصر باستان و تمدن‌های بین‌النهرین آغاز می‌شود (مظفری، ۱۳۸۴، صص ۱۱۲-۱۱۸). در واقع، ایران از این طریق در صدد برآمده تا از مؤلفه‌های قدرت نرم برای اثرگذاری بر تحولات عراق به‌طور اخص و معادلات منطقه به‌طور اعم استفاده کند و در این راستا تلاش کرد مردم این کشور به حقوق ضایع‌شده خود دست یابند.

علل و ریشه‌های نفوذ معنوی و نرم‌افزاری ایران در عراق که بخش عمده آن را باید در سال‌های حکومت استبدادی صدام و میزبانی صمیمانه تهران از حاکمان کنونی عراق جستجو کرد، کاملاً واضح است. این نفوذ بازتاب‌های فراوانی را در تعاملات

تهران- بغداد پس از سقوط مستبد گذشته عراق و نیز در سطح منطقه خاورمیانه داشته که کماکان نیز ادامه دارد.

۶-۱. مؤلفه‌های راهبرد قدرت نرم ایران در خاورمیانه

بی‌تردید در عصر جدید، دیدگاه مردمان دیگر کشورها، باعث تضعیف و یا تقویت موقعیت قدرت‌ها در روابط بین‌الملل خواهد گردید. در این میان، نظر کشورهای همسایه و نوع نگاه آن‌ها به سیاست‌ها و مواضع قدرت‌ها، مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر از سایر کشورهاست. قدرت نرم ایران در اسلام، فرهنگ، تاریخ، تمدن، زبان فارسی، ارزش‌های مردم‌سالارانه، مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم و مواردی از این دست ریشه دارد. حفظ و افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، نیازمند شناخت و به کار بستن منابع نرم‌افزاری قدرت خود در سایر کشورها و جوامع با توجه به زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هریک از کشورهای هدف است.

جمهوری اسلامی ایران با داشتن بیش از هفتاد و پنج میلیون نفر مسلمان (۹۸٪) که از این میزان، ۸۹ درصد شیعه و ۹ درصد سنی می‌باشند، یکی از کشورهای بزرگ، پرجمعیت و تأثیرگذار اسلامی است. در این میان، منطقه ژئوپلیتیکی خاورمیانه با حضور ۱۵ کشور، بیشترین قرابت مذهبی را با جمهوری اسلامی ایران داراست. ۹۲/۹۶ درصد از جمعیت خاورمیانه مسلمان و ۱۸/۹۴ درصد آن‌ها نیز دارای مذهب تشیع می‌باشند (Islamic Web, 2007; Nation Master, 2007) که از این لحاظ، بیشترین همگرایی را در میان مناطق مختلف ژئوپلیتیکی با جمهوری اسلامی ایران دارد.

علاوه بر اسلام و مذهب تشیع، زبان فارسی نیز با اینکه یکی از ارکان اصلی هویت ایرانی است و بعد از انقلاب مشروطه به عنوان زبان ملی ایران تبلیغ و شناخته شده است، ولی هویتی بسیار فراتر از فلات ایران دارد. در مجموع، زبان فارسی در کشورهای خاورمیانه‌ای بیش از دو میلیون و دویست هزار نفر سخنور دارد (Learn Persian, 2007; Schams, 2006; Lazard, 1975, pp.595-632). همچنین، جمهوری اسلامی ایران از میان پانزده کشور واقع در خاورمیانه، با سیزده کشور به تبادل سفیر پرداخته و نیز دارای دفتر حافظ منافع در مصر است (وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷).

جمهوری اسلامی ایران دارای یازده نمایندگی فرهنگی نیز در نه کشور خاورمیانه است (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۸۷) که وظیفه مهم ارتباط با افکار عمومی و نخبگان جوامع و انتقال ارزش‌های اسلامی - ملی را بر عهده دارند.

در جمهوری اسلامی ایران شش روزنامه به زبان‌های انگلیسی و عربی به منظور انعکاس اخبار و آشنایی شهروندان دیگر کشورها و یا افراد مقیم در ایران با فرهنگ و سیاست‌های داخلی و بین‌المللی ایران انتشار می‌یابد. در این میان، روزنامه‌های الوفاق و کیهان عربی، مخاطبان خود را در کشورهای عرب‌زبان خاورمیانه و آفریقا جستجو می‌کند. همچنین سیمای جمهوری اسلامی ایران در بُعد برون‌مرزی دارای پنج شبکه جهانی جام جم ۱-۲-۳، العالم، سحر، الکوثر و پرس‌تی‌وی^{۱۴} است که هم‌میهنان، مسلمانان و سایر مخاطبان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور را پوشش می‌دهد. شبکه العالم شبکه تلویزیونی ۲۴ ساعته اخبار به زبان عربی در خاورمیانه است که در بهمن ۱۳۸۲ افتتاح شد. کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، عراق، مصر، موریتانی، الجزایر، سوریه، لبنان، اردن و فلسطین مخاطبان اصلی این شبکه محسوب می‌شوند. شبکه العالم نه تنها در غزه و رام‌الله دارای دفتر خبری است بلکه در سرزمین‌های اشغالی موسوم به ۱۹۴۸ نیز دارای خبرنگار است. این شبکه در زمان جنگ ۳۳ روزه اسراییل علیه لبنان، به صورت مستقیم از اصابت موشک به حیفا نیز گزارش می‌داد. العالم در واشینگتن و نیویورک نیز دفتر خبری دارد. شبکه العالم هم‌اکنون دارای ۵۲ خبرنگار در ۴۰ کشور است و می‌تواند غالب خواسته‌های مخاطبان را انعکاس دهد. شبکه در ابتدا برای فعالیت شش ساعته برنامه‌ریزی شده بود، اما به دلیل جنگ آمریکا در عراق و درحالی‌که تنها یک ماه از شروع به کار العالم گذشته بود، این شبکه به صورت ۲۴ ساعته به فعالیت خود ادامه داد (سایت خبری العالم، ۱۳۸۴؛ ایرنا، ۲۹ آذر ۱۳۸۶).

شبکه العالم از ماهواره‌های عرب.سیت در عربستان سعودی و نایل.سیت در مصر پخش می‌شود که با اهداف این شبکه مشکل دارند و در آخرین اقدام مخالفت‌جویانه، پخش برنامه‌های این شبکه را از آبان ۱۳۸۸ قطع کرده که باعث عدم دسترسی بسیاری از اعراب خاورمیانه به اخبار و برنامه‌های العالم شده‌اند. شبکه عرب‌زبان الکوثر نیز از

دیگر شبکه‌های تلویزیونی برون‌مرزی صدا و سیمای ایران است که در سطح جهانی برنامه پخش می‌کند و کشورهای عرب‌زبان خاورمیانه و آفریقا را پوشش می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران تاکنون همکاری‌های دوجانبه دانشگاهی با برخی کشورهای جهان، از جمله شش کشور در خاورمیانه، برقرار کرده است. همچنین در چهار کشور منطقه، واحدهای دانشگاهی تابعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و یا دانشگاه آزاد اسلامی تأسیس شده است (دفتر همکاری‌های علمی، ۱۳۸۵). از دیگر منابع بالفعل قدرت نرم ایران در منطقه می‌توان به حضور بیش از یک میلیون و دویست هزار مهاجر ایرانی در کشورهای خاورمیانه و دویست هزار مهاجر عراقی در ایران اشاره داشت (محمدی الموتی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۴؛ Hakimzadeh, 2006; Nation Master, 2008). همچنین به‌طور میانگین هر ساله ۲۵۰ هزار گردشگر از چهارده کشور خاورمیانه، ایران را به‌عنوان مقصد گردشگری خود انتخاب می‌کنند (کریمایی، ۱۳۸۷، ص ۱۶) که بیشتر آن‌ها را زائران امام هشتم شیعیان و حضرت معصومه(ع) تشکیل می‌دهند. تعدادی مؤسسه ایران‌شناسی و مراکز آموزش زبان فارسی نیز در برخی از کشورهای منطقه دائر است که البته تعداد آن‌ها در مقایسه با مناطقی همچون اوراسیای مرکزی و یا آمریکای شمالی بسیار پایین است؛ به‌طوری‌که فقط در پنج کشور خاورمیانه مؤسسه ایران‌شناسی فعال بوده و ترکیه نیز تنها کشور منطقه است که دارای مراکز آموزش زبان فارسی است (بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۷؛ شورای گسترش زبان، ۱۳۸۶).

بررسی وضعیت اِعمال مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در کشورهای منطقه خاورمیانه نشان می‌دهد که عوامل طبیعی و یا غیربرنامه‌ای، همچون مذهب اسلام، تشیع، زبان فارسی و مهاجران بیشترین سهم از منابع نرم‌افزاری قدرت جمهوری اسلامی ایران را به خود اختصاص داده‌اند. درمقابل، عوامل نیازمند برنامه‌ریزی و راهبری همچون تأسیس و تقویت شبکه‌های تلویزیونی، رادیویی و اینترنتی به زبان عربی، جذب گردشگر، همکاری‌های علمی و دانشگاهی و ایجاد مؤسسات ایران‌شناسی و مراکز آموزش زبان فارسی در حاشیه قرار گرفته‌اند. در این میان، موضوع فعالیت‌های دیپلماتیک، تأسیس سفارت و رایزنی‌های فرهنگی در وضعیت بینابینی قرار دارد که البته در مقایسه با موقعیت ایالات متحده، جایگاه پایین‌تری را داراست.

چنانچه پیداست، خاورمیانه گستره نفوذ فرهنگ و تمدن ایران بوده و است و چنانچه با درایت و سازمان‌دهی بیشتری این نکته در معادلات سیاسی و دیپلماتیک لحاظ گردد، شاهد روابط فرهنگی و سیاسی بسیار نزدیکی با همسایگان خویش خواهد بود. توجه به ریشه‌های تاریخی، ملی و فرهنگی ایران در منطقه در کنار تشابهات مذهبی به‌عنوان معیار ایجاد روابط حسنه با کشورهای خاورمیانه و استفاده صحیح و بهینه از قابلیت‌های مذهبی، فرهنگی، تاریخی و اجتماعی در مناسبات دوجانبه و یا چندجانبه، گسترش حوزه نفوذ و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه را به همراه خواهد داشت.

۷. میزان اثربخشی قدرت نرم ایران و آمریکا در خاورمیانه

میزان اثربخشی قدرت نرم یک بازیگر، به‌شدت به وجود مفسران و پذیرندگان علاقه‌مند آن، در کشور و یا کشورهای هدف وابسته است؛ زیرا جاذبه غالباً تأثیری پراکنده دارد و به جای یک اقدام مشخص و محسوس، یک نفوذ کلی را پدید می‌آورد. کارآمدی قدرت نرم اعمال‌شده را می‌توان با افکارسنجی و بررسی دیدگاه شهروندان آن منطقه و یا کشور در خصوص میزان محبوبیت کشور به‌کارگیرنده مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت و یا میزان اعتماد آنان به رهبران، مورد محاسبه قرار داد. جوزف نای نیز با وجود تشخیص محدودیت‌های نظرسنجی‌های عمومی، آن‌ها را یک تخمین اولیه مناسب از میزان جذابیت یک کشور و هزینه‌های ناشی از سیاست‌های غیرمردمی می‌داند (Nye, 2004b, p.112). بنابراین در مجموع، نظر شهروندان کشورها و یا مناطق، مبنای محاسبه میزان اثربخشی و کارآمدی اعمال مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت هر دولتی خواهد بود. در این بخش، نظرسنجی‌های مشابهی که طی آن‌ها هم‌زمان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، تشریح شده و با طراحی مدل سنجش ماتریسی با هم مقایسه خواهد شد.

۷-۱. میزان نفوذ ایران و آمریکا در خاورمیانه

بی‌بی‌سی با همکاری مؤسسه گلوب اسکن^{۱۵} و مرکز تحقیق در زمینه‌های مشترک^{۱۶} طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ میلادی اقدام به طرح و اجرای یک نظرسنجی از شهروندان حدود ۶۰ کشور جهان پیرامون نفوذ و تأثیر مثبت برخی از مهم‌ترین کشورهای جهان در زمینه مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی کرده است که داده‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده در کشورهای خاورمیانه به شرح زیر است:

۷-۱-۱. جمهوری اسلامی ایران

به‌طور میانگین بیش از نیمی (۵۸٪) از کشورهایی که در نظرسنجی سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹م. شرکت داشته‌اند، نفوذ ایران را در جامعه جهانی تأیید کرده‌اند، گرچه ممکن است برخی آن را مثبت (برای منافع خویش) ارزیابی ننموده‌اند؛ برای مثال، ۱۵ کشور نظر منفی نسبت به ایران دارند و هند دیدگاهی مثبت دارد. ایران در پنج کشور دیگر ۵۰٪ مثبت و ۵۰٪ نیز منفی است. این نظرسنجی حاکی از میزانی پیشرفت از سال ۲۰۰۸ است؛ زیرا در آن سال ۱۷ کشور اساساً دیدگاهی منفی نسبت به ایران ابراز داشته بودند. اما به نسبت سال ۲۰۰۸، اکنون در ۵ کشور دیدگاه منفی در خصوص ایران رشد قابل توجهی داشته است. دیدگاه مصر به ایران از مثبت به منفی تغییر یافته و دیدگاه منفی نیز افزایش یافته است. در مقابل، دیدگاه مثبت ترک‌ها به ایران افزایش قابل توجهی داشته و دیدگاه منفی نیز کاهش نشان می‌دهد.

جدول ۱. میزان نفوذ و تأثیر مثبت و منفی جمهوری اسلامی ایران

۲۰۰۹		۲۰۰۸		۲۰۰۷		۲۰۰۶		کشور
منفی	مثبت	منفی	مثبت	منفی	مثبت	منفی	مثبت	
--	--	--	--	--	--	--	--	فلسطین
۴۱	۳۶	۲۴	۶۲	۱۸	۵۱	--	--	مصر
--	--	۳۱	۳۸	۱۹	۲۹	--	--	امارات
--	--	--	--	--	--	۷	۲۴	عربستان
--	--	۴۹	۳۹	۴۴	۴۲	--	--	لبنان
۶۰	۲۰	۶۱	۱۷	۴۶	۱۳	۳۴	۱۱	ترکیه
--	--	۸۰	۱۰	--	--	--	--	رژیم صهیونیستی
--	--	--	--	--	--	۴۴	۳۳	عراق
۵۰/۵	۲۸	۴۹	۳۳/۲	۳۱/۷۵	۳۳/۷۵	۲۸/۳۳	۲۲/۶۷	متوسط آراء

World Public, 2006; BBC World, 2007, p.6; BBC World, 2008, p.7; BBC World, 2009, p.20

۷-۱-۲. ایالات متحده آمریکا

به‌طور میانگین، دیدگاه جهان به نفوذ آمریکا در سال ۲۰۰۹ میلادی با روی کار آمدن دولت اوباما به نسبت سال ۲۰۰۸ و دولت بوش، تا حدی بهبود یافته است، گرچه بیشتر کشورها به‌طور برجسته‌ای دیدگاه منفی داشته و دارند. در ۱۲ کشور به‌وضوح دیدگاه نسبت به آمریکا منفی است، در حالی‌که در شش کشور از این ۱۲ کشور، تمایل به سمت مثبت و در دو کشور نیز ۵۰-۵۰ است. سال گذشته تنها پنج کشور نظر مثبتی به ایالات متحده داشتند و نظر ۱۵ کشور کاملاً منفی بود.

جدول ۲. میزان نفوذ و تأثیر مثبت و منفی ایالات متحده

۲۰۰۹		۲۰۰۸		۲۰۰۷		۲۰۰۶		کشور
منفی	مثبت	منفی	مثبت	منفی	مثبت	منفی	مثبت	
--	--	--	--	--	--	--	--	فلسطین
۴۸	۴۰	۷۳	۱۶	۵۹	۱۱	--	--	مصر
--	--	۴۲	۳۷	۵۷	۲۵	--	--	امارات
--	--	--	--	--	--	۳۸	۳۸	عربستان
--	--	۶۷	۲۸	۵۸	۳۴	--	--	لبنان
۶۳	۲۱	۷۳	۲۰	۶۹	۷	۴۹	۱۵	ترکیه
--	--	۲۰	۶۸	--	--	--	--	رژیم صهیونیستی
--	--	--	--	--	--	۵۶	۲۷	عراق
۵۵/۵	۳۰/۵	۵۵	۳۳/۸	۶۰/۷۵	۱۹/۲۵	۴۴/۶۷	۲۲/۶۷	متوسط آراء

World Public, 2006; BBC World, 2007, p.8; BBC World, 2008, p.6; BBC World, 2009, p.9.

۲-۷. میزان محبوبیت

طبق نظرسنجی‌های صورت‌پذیرفته توسط «طرح نگرش‌های جهانی پیو»^{۱۷} میزان محبوبیت جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده و دیدگاه‌های مساعد و نامساعد شهروندان خاورمیانه‌ای نسبت به این دو کشور طی سال‌های ۲۰۰۶ الی ۲۰۰۹ میلادی به شرح جدول‌های ۳ و ۴ است.

جدول ۳. درصد محبوبیت جمهوری اسلامی ایران

۲۰۰۹		۲۰۰۸		۲۰۰۷		۲۰۰۶		کشور
نامساعد	مساعد	نامساعد	مساعد	نامساعد	مساعد	نامساعد	مساعد	
۴۸	۴۹	--	--	۳۹	۵۵	--	--	فلسطین
۶۲	۳۵	۵۴	۴۶	۵۰	۴۸	۳۹	۵۹	مصر
--	--	--	--	۴۳	۳۶	--	--	کویت
۶۲	۳۵	۶۶	۳۴	۶۴	۳۶	--	--	لبنان
۵۸	۱۹	۵۶	۲۴	۵۶	۲۸	۳۵	۵۳	ترکیه
۸۹	۷	--	--	۹۳	۵	--	--	رژیم صهیونیستی
۶۶	۳۰	۵۶	۴۱	۵۳	۴۶	۵۱	۴۹	اردن
--	--	--	--	۱۶	۴۲	--	--	مراکش
۷۷	۲۹/۱۷	۵۸	۳۶/۲۵	۵۱/۷۵	۳۷	۴۱/۶۷	۵۳/۶۷	متوسط آراء

Opinion of Iran, 2009.

جدول ۴. درصد محبوبیت ایالات متحده

۲۰۰۹		۲۰۰۸		۲۰۰۷		۲۰۰۶		کشور
نامساعد	مساعد	نامساعد	مساعد	نامساعد	مساعد	نامساعد	مساعد	
۸۲	۱۵	--	--	۸۶	۱۳	--	--	فلسطین
۷۰	۲۷	۷۵	۲۲	۷۸	۲۱	۶۹	۳۰	مصر
--	--	--	--	۴۶	۴۶	--	--	کویت
۴۵	۵۵	۴۹	۵۱	۵۲	۴۷	--	--	لبنان
۶۹	۱۴	۷۷	۱۲	۸۳	۹	۷۶	۱۲	ترکیه
۲۶	۷۱	--	--	۲۰	۷۸	--	--	رژیم صهیونیستی
۷۴	۲۵	۷۹	۱۹	۷۸	۲۰	۸۵	۱۵	اردن
--	--	--	--	۵۶	۱۵	--	--	مراکش
۶۱	۳۴/۵	۷۰	۲۶	۶۲/۳۸	۳۱/۱۳	۷۶/۶۷	۱۹	متوسط آراء

Opinion of Americans, 2009

۳-۷. میزان اعتماد به رؤسای جمهور ایران و آمریکا در خاورمیانه

طرح نگرش‌های جهانی پیو طی سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ میلادی در کنار سنجش محبوبیت کشورها، میزان اعتماد افکار عمومی جهان نسبت به رهبران سیاسی مطرح را در دو سطح جهانی و منطقه‌ای ارزیابی کرده است. همچنین مؤسسه «سنجش آرای عمومی جهان»^{۱۸} در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ میلادی درباره میزان اعتماد شهروندان برخی از کشورها نسبت به هشت نفر از رهبران جهان نظرسنجی جهانی کرده است. خلاصه نظرسنجی سال ۲۰۰۹ در چهار کشور منطقه خاورمیانه به این شرح است:

مصر: مصر طی بیشتر نظرسنجی‌ها، نسبت به بیشتر رهبران جهانی، نظر منفی داشته است. مصری‌ها به باراک اوباما نیز نظری کاملاً منفی دارند، اما نه به اندازه جورج بوش. اوباما در میان رهبران جهان، جایگاه سوم را در مصر داشته است.

عراق: اوباما در عراق توانسته نظر مثبت را به خود جلب کند. همچنین مردم عراق اساساً نسبت به هیچ‌یک از رهبران خاورمیانه‌ای نظر مساعدی ابراز نداشته‌اند.

فلسطین: تنها رهبر جهان که فلسطینی‌ها به وی ابراز اعتماد می‌کنند، آقای دکتر احمدی‌نژاد است.

ترکیه: نظر مردم ترکیه نسبت به کلیه رهبران جهانی و منطقه‌ای به جز رئیس جمهوری خودشان و رئیس جمهوری آذربایجان منفی است. علی‌رغم اینکه از سخنانی اوباما در استانبول استقبال خوبی شد، اما ترک‌ها دیدگاه بینابینی نسبت به وی ابراز کرده‌اند. با وجود این، اوباما در ترکیه نسبت به بوش پیشرفت داشته است.

جدول ۵. درصد اعتماد افکار عمومی به رئیس جمهوری اسلامی ایران

۲۰۰۹		۲۰۰۸		۲۰۰۷		۲۰۰۶		کشور
عدم اعتماد	اعتماد	عدم اعتماد	اعتماد	عدم اعتماد	اعتماد	عدم اعتماد	اعتماد	
۳۸	۵۷	۶۲	۳۷	۴۰	۴۷	--	--	فلسطین
۵۷	۳۹	۵۶	۴۴	۷۲	۲۰	۴۲	۲۶	مصر
--	--	--	--	۵۵	۲۵	--	--	کویت
--	--	--	--	۶۹	۳۰	--	--	لبنان
۴۸	۳۳	۶۲	۱۶	۵۶	۲۱	۸	۲۵	ترکیه
--	--	--	--	۸۸	۷	--	--	رژیم صهیونیستی
--	--	۵۶	۲۴	۷۸	۱۸	۴۳	۲۲	اردن
۵۶	۳۵	--	--	--	--	--	--	عراق
۴۹/۷۵	۴۱	۵۹	۳۰/۲۵	۶۵/۴۳	۲۴	۳۱	۲۴/۳۳	متوسط آراء

Pew Global, 2006, p.16; Pew Global, 2007, p.48; World Public, 2008; World Public, 2009

جدول ۶. درصد اعتماد افکار عمومی به رئیس جمهوری ایالات متحده

کشور	۲۰۰۶ (بوش)		۲۰۰۷ (بوش)		۲۰۰۸ (بوش)		۲۰۰۹ (اوباما)	
	اعتماد	عدم اعتماد	اعتماد	عدم اعتماد	اعتماد	عدم اعتماد	اعتماد	عدم اعتماد
فلسطین	--	--	۸	۹۱	۳	۹۵	۳۳	۶۷
مصر	۸	۹۱	۸	۸۷	۳۳	۶۶	۳۹	۶۰
کویت	--	--	۲۵	۶۷	--	--	--	--
لبنان	--	--	۳۴	۶۵	--	--	--	--
ترکیه	۸	۸۴	۲	۸۹	۷	۸۳	۴۵	۴۶
رژیم صهیونیستی	--	--	۵۷	۳۸	--	--	--	--
اردن	۷	۹۳	۸	۸۸	۵	۷۲	--	--
عراق	--	--	--	--	--	--	۴۰	۵۷
متوسط آراء	۷/۶۷	۸۹/۳۳	۲۰/۲۸	۷۵	۱۲	۷۹	۳۹/۲۵	۵۷/۵

Confidence in the U.S. President, 2009

۷-۴. میزان ابراز نگرانی مردم خاورمیانه از ایران و آمریکا به مثابه یک تهدید

در نظرسنجی دانشگاه مریلند^{۱۹} از کشورهای عرب خاورمیانه طی سالهای ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸، دو سؤال مربوط به میزان تهدیدآمیز بودن رفتار ایران و آمریکا در قبال کشورهای منطقه مطرح شد که پاسخهای آن در زیر آمده است:

جدول ۷. میزان تهدیدآمیز بودن رفتار ایران و آمریکا در قبال کشورهای منطقه

۲۰۰۸	۲۰۰۶	کدام یک از موارد زیر، بزرگترین نگرانی شما در خصوص عواقب جنگ عراق است؟
۸	۱۵	دخالت ایران در عراق و قدرت مندتر شدنش در منطقه
۴۰	۴۲	تسلط بیشتر آمریکا در منطقه به واسطه اعمال زور و خشونت در عراق

Annual Arab Public Opinion Poll, 2008, p.10

جدول ۸. میزان تهدیدآمیز بودن رفتار هفت کشور زیر در قبال کشورهای منطقه

به نظر شما کدام یک از کشورهای زیر، بزرگ‌ترین تهدید برای شما به حساب می‌آید؟					
سوریه	چین	بریتانیا	ایران	آمریکا	رژیم صهیونیستی
۱	۲	۴	۷	۸۸	۹۵

Annual Arab Public Opinion Poll, 2008, p.89

جدول ۹. خلاصه وضعیت اثرپذیری افکار عمومی در خاورمیانه از رویکردهای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده

مقدار متوسط	مجموع	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	
-۱۰/۴۹	-۴۱/۹۶	-۲۲/۵	-۱۵/۸	۲	-۶۶/۵	نفوذ ایران
-۲۷/۴۳	-۱۰۹/۷	-۲۵	-۲۱/۲	-۴۱/۵	-۲۲	نفوذ آمریکا
-۱۸/۰۸	-۷۲/۳۳	-۴۷/۸۳	-۲۱/۷۵	-۱۴/۷۵	۱۲	محبوبیت ایران
-۳۹/۸۶	-۱۵۹/۴۲	-۲۶/۵	-۴۴	-۳۱/۲۵	-۵۷/۶۷	محبوبیت آمریکا
-۲۱/۴	-۸۵/۶	-۸/۷۵	-۲۸/۷۵	-۴۱/۴۳	-۶/۶۷	اعتماد به رئیس جمهور ایران
-۵۵/۴۲	-۲۲۱/۶۷	-۱۸/۲۵	-۶۷	-۵۴/۷۲	-۸۱/۶۶	اعتماد به رئیس جمهور آمریکا

منبع: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری

قدرت نرم، توانایی دستیابی به اهداف و آمال مطلوب از طریق جلب حمایت افکار عمومی جامعه و نخبگان، و اقناع اذهان به جای اعمال فشار است. این بُعد آخر قدرت، از منابع فرهنگ، عقاید، باورها، و آداب و سنن اجتماعی نشئت می‌گیرد. درمقابل، قدرت سخت یا سخت‌افزاری، توانایی اعمال زور و فشار است که به‌طور طبیعی از اقتدار نظامی و قدرت اقتصادی یک کشور ناشی می‌شود. کاربرد قدرت نرم به نسبت قدرت سخت، دشوارتر است؛ زیرا بسیاری از منابع مهم و اساسی این منبع مهم قدرت،

خارج از کنترل حکومت‌هاست و تأثیرات آن به‌شدت به پذیرش مخاطبان بستگی دارد. افزون بر این، منابع قدرت نرم اغلب به‌طور غیرمستقیم با شکل‌گیری محیط سیاست‌گذاری کارساز می‌افتد و گاهی طی سال‌های طولانی نتایج مطلوب به‌دست می‌آید.

برخورداری از تمدنی غنی، برخورداری از یک ایدئولوژی فراگیر، سوابق درخشان فرهنگی، هنر برتر، سیاست‌های صلح‌جویانه، برنامه‌های بشردوستانه، کمک به کشورهای توسعه‌نیافته، داشتن رهبران بزرگ، پیشرفت همه‌جانبه اقتصادی و صنعتی، پیشرفت در علوم و فناوری و البته قدرت نظامی مطلوب و برنامه‌هایی برای توسعه حقوق بشر و محیط زیست، همگی از جمله عواملی است که امروزه باعث افزایش قدرت نرم کشورها می‌شود. با وجود این، گرچه نرم‌افزارگرایی یکی از ابزارهای تأمین بهتر و بیشتر منافع ملی کشورها تلقی می‌شود، بررسی‌ها نشان می‌دهد استفاده از قدرت نرم توسط دولت‌های بزرگ همواره تحت تأثیر ملاحظات راهبردی-امنیتی قرار داشته که دلیل آن، کاربرد دشوار و زمان‌بر قدرت نرم است.

قدرت نرم به آن ترتیبی که در روایت غربی این مفهوم آمده است، تنها بر رویکرد جهانی و تأثیرگذاری خارجی آن تأکید دارد و از جنبه‌های داخلی و منطقه‌ای قدرت نرم‌افزاری دولت‌ها غافل مانده است. اما در قالب یک روایت بومی از مفهوم قدرت نرم می‌توان به سه سطح تحلیل خرد (داخلی)، میانی (منطقه‌ای) و کلان (بین‌المللی) برای بررسی این مفهوم اشاره کرد. در این راستا پیروزی انقلاب اسلامی و مولود آن یعنی جمهوری اسلامی ایران را نیز باید مبتنی بر کاربرد قدرت نرم دانست.

در بُعد منطقه‌ای، راهبرد قدرت نرم ایران در قبال کشورهای همسایه تاکنون به‌طور عمده مبتنی بر بهره‌گیری و تأکید بر اشتراکات مذهبی، تاریخی و فرهنگی بوده است. به همین سبب، همگرایی اسلامی و شیعی کشورهای منطقه با جمهوری اسلامی ایران، به‌مثابه عوامل طبیعی افزایش قدرت ایران، بیشترین نقش را در منطقه ایفا می‌کند. درحالی‌که ایالات متحده برنامه‌های بلندمدتی را برای تغییر سیاست‌های فکری و فرهنگی منطقه خاورمیانه تدوین کرده و به کار بسته است، حادثه ۱۱ سپتامبر جایگاه نوینی به بحث نرم‌افزارگرایی در سیاست منطقه‌ای ایالات متحده بخشید و بر اساس آن،

مهندسی ساختاری جوامع خاورمیانه‌ای در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در دستور کار راهبردپردازان آمریکایی قرار گرفت. اما با توجه به گذشته این کشور و نیز ویژگی‌های منطقه که حاکی از روند تغییر سیاست‌های غرب‌گرایانه رهبران منطقه‌ای است، پیش‌بینی می‌شود که سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا همچنان از تجلی راهبردی و سخت‌افزاری برخوردار خواهد ماند.

با وجود این، شعارهای جدید در سطح هیئت حاکمه آمریکا و حضور اوپاما در کاخ سفید، باعث رشد نسبی نفوذ ایالات متحده در منطقه شده است. مقایسه داده‌های مربوط به میزان نفوذ مثبت آمریکا، طی سال‌های ریاست جمهوری بوش با سال ۲۰۰۹ و در ابتدای زمامداری اوپاما، تغییر معناداری را در تمامی این شاخص‌ها نشان می‌دهد؛ اما محبوبیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه حتی با حضور اوپاما در کاخ سفید همچنان پیش‌تاز است.

یادداشت‌ها

۱. مقاله حاضر برگرفته از مطالعات و تحقیقات مربوط به طرح درون‌دانشگاهی شماره ۸۶۱۲۴۱ با عنوان «تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای میزان قدرت نرم ایران و آمریکا در خاورمیانه» است که در حوزه معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه اصفهان در حال اجراست. بدین وسیله، از آن معاونت به دلیل حمایت‌های معنوی و مادی قدردانی می‌گردد.
۲. برای مطالعه بیشتر در زمینه اصول و مبانی قدرت نرم و مطالعات موردی صورت‌پذیرفته در خصوص کاربرد این بعد از قدرت در سایر کشورها، رک. هرسیج و ملایی، ۱۳۸۷، صص ۲۹۹-۳۱۹؛ کیوان‌حسینی، ۱۳۸۱، صص ۲۹۳-۴۰۳ و Smith, 2007, pp.113-121; Oguzlu, 2007, pp.81-97; Nye, 2006; Nye, 1990, pp.177-192; Dueck, 2004, pp.197-216; Domett, 2005, pp.289-306.

3. Softwarism

4. Hans J. Morgenthau

5. Klaus Knorr

6. Ray Cline

۷. برای مطالعه بیشتر در خصوص سطوح تحلیل خرد (ملی)، میانی (منطقه‌ای) و کلان (بین‌المللی) قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و دیدگاه‌های امام راحل در زمینه

بهره‌گیری از مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت رک. امام خمینی، ۱۳۷۱؛ افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷-الف؛ ۱۳۸۷-ب و ۱۳۸۵، صص ۷-۲۶).

8. Barak Obama
9. Hilary Clinton
10. United States Agency for International Development (USAID)
11. United States Information and Educational Exchange Program
12. Reuel Marc Gerecht
13. American Enterprise
14. PRESS TV
15. Globe Scan
16. Search for Common Ground (SFCG)
17. Pew Global Attitudes Project
18. World Public Opinion
19. University of Maryland

کتابنامه

- آشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۴)، «دیپلماسی عمومی: فرهنگ و ارتباط در خدمت سیاست خارجی»، کتاب آمریکا (۶)؛ ویژه دیپلماسی عمومی آمریکا، به کوشش رضا درویش داد، تهران: ابرار معاصر.
- افتخاری، اصغر و همکاران (۱۳۸۵)، «میزگرد قدرت نرم و انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۳۲، پاییز.
- همو (۱۳۸۷-الف)، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده بسیج.
- همو (۱۳۸۷-ب)، قدرت نرم، فرهنگ و امنیت (مطالعه موردی بسیج)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده بسیج.
- ایرنا (۲۹ آذر ۱۳۸۶)، «مدیرکل اخبار شبکه العالم: نبرد رسانه‌ای، جنگ قرن ۲۱ است»، قابل دسترس در: <http://www2.irna.ir/fa/news/view/line-10/8608294178191811.htm>
- برزگر، کیهان (۱۳۸۷)، «ایران، خاورمیانه و امنیت بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و دوم، شماره ۳، پاییز.
- بنیاد ایران‌شناسی (۱۳۸۷)، «مؤسسات ایران‌شناسی خارج از کشور به زبان فارسی»، قابل دسترس در: http://213.176.111.15:8080/moasesat_lf/Country.aspx

خمینی، (امام) روح الله (۱۳۷۱)، *صحیفه نور*، تهران: انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

درویش، رضاداد (۱۳۸۴)، «دیپلماسی عمومی آمریکا در جهان اسلام»، در کتاب *آمریکا: ویژه دیپلماسی عمومی آمریکا*، به کوشش رضا درویش داد، تهران: ابرار معاصر.

دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۳۸۵)، «گزارش تفصیلی فعالیت‌های دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی»، قابل دسترس در:

<http://www.msrt.ir/sites/OISC/DocLib7/Forms/AllItems.aspx>

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (۱۳۸۷)، «نشانی نمایندگی‌های فرهنگی ج.ا. ایران در

خارج از کشور»، قابل دسترس در: <http://pe.icro.ir/?c=40970&t=3>

سایت خبری العالم (۱۳۸۴)، «معرفی شبکه العالم»، قابل دسترس در:

<http://www.alalam.ir/farsi/service/about-us.htm>

سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۸۶)، «نرم‌افزارگرایی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال پنجم، شماره ۱۵، بهار.

شرف‌الدین، سید حسین (۱۳۸۴)، «قدرت نرم آمریکا و ایران»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال هشتم، شماره ۳۱، پاییز.

شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی (۱۳۸۶)، «مراکز آموزش زبان فارسی»، قابل دسترس در:

http://www.persian-language.org/Resource/Centers_Resource.asp?PagePosition=1

کاتب، غلامرضا (۱۳۸۸)، «قدرت نرم و فروپاشی سیاسی، بررسی استراتژیک»، قابل دسترس در:

http://strategicreview.blogspot.com/2009/06/blog-post_7558.html

کریمایی، سمیه (۱۳۸۷)، *تخمین تابع تقاضای اکوتوریسم؛ مطالعه موردی: گیلان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان: دانشگاه اصفهان (دانشکده علوم اداری و اقتصاد).

کیوان‌حسینی، سید اصغر (۱۳۸۱)، *نرم‌افزارگرایی در سیاست خارجی آمریکا و امنیت در جهان سوم*، رساله دکتری، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

متقی، ابراهیم (۱۳۸۷)، «قدرت هوشمند و استراتژی تغییر چهره آمریکا در دوران اوباما»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، سال یازدهم، شماره ۴۱، زمستان.

محمدی الموتی، مسعود (۱۳۸۳)، «جهانی شدن و مهاجرت نخبگان: بررسی تجربه ایران»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان.

مظفری، فرشته (۱۳۸۴)، «جایگاه قدرت نرم در استراتژی ج.ا. ایران در عراق جدید»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال سوم، شماره ۸، تابستان.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۷)، «نمایندگی‌های سیاسی مقیم در ایران»، قابل دسترس در:

<http://www.mfa.gov.ir/cms/cms/Tehran/fa/Mission>

هرسیج، حسین و ملایی، اعظم (۱۳۸۷)، «قدرت نرم‌افزاری ایران در دوران ریاست جمهوری خاتمی (۱۳۸۴-۱۳۷۶)»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۴، زمستان.

Annual Arab Public Opinion Poll (2008), "Survey of the Anwar Sadat Chair for Peace and Development at the University of Maryland", March [available at:

http://www.brookings.edu/topics/~media/Files/events/2008/0414_middle_east/0414_middle_east_telhami.pdf, accessed: 1 Augusta 2009].

BBC World Service (2007), "Israel and Iran Share Most Negative Ratings in Global Poll", 23 January [available at:

http://www.globescan.com/news_archives/bbcntryview/bbcntryview.pdf, accessed: 14 April 2009].

BBC World Service (2008), "Global Views of USA Improve", 2 April [available at:

http://news.bbc.co.uk/2/shared/bsp/hi/pdfs/02_04_08_globalview.pdf, accessed: 8 April 2009].

BBC World Service (2009), "Views of China and Russia Decline in Global Poll", 6 February [available at:

http://www.worldpublicopinion.org/pipa/pdf/feb09/BBCevals_Feb09_rpt.pdf, accessed: 14 April 2009].

Beers, Ch. (2002), "The United State, Europe and the Muslim World: Revitalizing Relations after Sept 11", *Center for Strategic and International Studies*, 15 May.

Confidence in the U.S. President (2009), "How Much Confidence Do You Have in the U.S. President (Bush '03-'08, Obama '09)?", *Pew Global* [available at: <http://pewglobal.org/database/?indicator=6&group=6>, accessed: 27 April 2009].

D'Agostino, J. A. (2002), "Immigration from Middle East to U.S. increasing", *BNET*, 23 September [available at:

http://findarticles.com/p/articles/mi_qa3827/is_200209/ai_n9113037/,
accessed: 29 November 2009].

Department of State Transcript (1952), "Working Group on Special Materials for Arab and other Moslem Countries", 1 April [National Archives, Record Group 59, Records of the Department of State, Decimal Files, 1950-1954].

Domett, T. (2005), "Soft Power in Global Politics? Diplomatic Partner as Transversal Actors", *Australian Journal of International Affairs*, Vol 40, No 2, June.

Dueck, C. (2004), "New Perspectives on American Grand Strategy", *International Security*, Vol. 28, No. 4, Spring.

Gerecht, R. M. (2002), "Regime Change in Iran?", *Weekly Standard*, 5 August, [available at: <http://www.newamericancentury.org/iran-072902.pdf>, accessed: 3 October 2009].

Gill, B. & Y. Huang (2006). "Sources and Limits of Chinese Soft Power", *Survival*, Vol. 48, No. 2, Summer.

Gordon, Ph. (2003), "Bush's Middle East Vision", *Survival*, Vol. 45, No. 1, Spring.

Hakimzadeh, Sh. (2006), "Iran: A Vast Diaspora Abroad and Millions of Refugees at Home", *Migration Information Source* [available at: <http://www.migrationinformation.org/profiles/display.cfm?ID=424>, accessed: 8 April 2008].

Hijab, N. (2009), "Obama's Multi-Polar Middle East?", *Counter Punch*, 20 April [available at: <http://www.counterpunch.org/hijab04212009.html>, accessed 3 June 2009].

Hughes, J. (2007), "America's Public Diplomacy Needs a Boots", *Christian Science Monitor*, Vol. 99, No. 133. 6 June.

Islamic Web. (2007), "How many Shia are there in the world?", [available at: http://www.islamicweb.com/beliefs/cults/shia_population.htm, accessed: 12 December 2008].

Kennedy, P. (2008), "Soft power is on the up. But it can always be outmuscled", *The Guardian*, 18 November [available at:

<http://www.guardian.co.uk/commentisfree/2008/nov/18/usa-obama-economy-military>, accessed 26 February 2009].

- Kull, S. (2008), "Can Obama Restore the US Image in the Middle East?", *Harvard International Review*, 22 December [available at: http://www.worldpublicopinion.org/pipa/articles/home_related/581.php?lb=btvoc&pnt=581&nid=&id=, accessed 23 February 2009].
- Lazard, G. (1975), "The Rise of the New Persian Language", in R. N. Frye, *The Cambridge History of Iran*, Vol. 4, Cambridge: Cambridge University Press.
- Learn Persian Online* (2007), "Persian language" [available at: http://www.learn-persian.com/english/Persian_language.php, accessed: 3 December 2008].
- Nation Master* (2007), "Demographics of Islam", July [available at: <http://www.nationmaster.com/encyclopedia/Demographics-of-Islam>, accessed: 7 December 2008].
- Nation Master* (2008), "Refugees and internally displaced persons", [available at: http://www.nationmaster.com/graph/imm_ref_and_int_dis_per_ref_cou_of_ori-internally-displaced-persons-country-origin, accessed: 19 October 2008].
- National Security Council Report* (1952), "United States Objectives and Policies with Respect to the Arab States and Israel", [Annex to NSC 129], 7 April.
- National Security Council Report* (1954), "United States Objectives and Policies with Respect to the Near East", 23 July.
- Nye, J. S. (1990), "The Changing Nature of World Power", *Political Science Quarterly*, Vol. 105, No. 2, Summer.
- Id. (2002), "Limits of American Power", *Political Science Quarterly*, Vol. 117, No. 4.
- Id. (2004a), "The Benefits of Soft Power", *Until Recently the Dean of Harvard's Kennedy School*, 2 August, available at: <http://hbswk.hbs.edu/archive/4290.html>, (accessed: 20 February 2008).

- Id. (2004b), *Soft Power: The Means to Success in Politics*, New York: Public Affairs.
- Id. (2004c), "Soft power and American foreign policy", *Political Science Quarterly*, Vol. 119, No. 2.
- Id. (2006), "Transformational Leadership and U.S. Grand Strategy", *Foreign Affairs*, Vol. 85, No. 4, July/August.
- Obama, B. (2007), "Renewing American Leadership", *Foreign Affairs*, Vol. 86, No. 4, July/August.
- Oguzlu, T. (2007), "Soft Power in Turkish Foreign Policy", *Australian Journal of International Affairs*, Vol. 61, No. 1, March.
- Opinion of Americans (2009), "Do You Have a Favorable or Unfavorable View of the American People?", *Pew Global* [available at: <http://pewglobal.org/database/?indicator=2&group=6>, accessed: 27 April 2009].
- Opinion of Iran (2009), "Do You Have a Favorable or Unfavorable View of Iran? ", *Pew Global* [available at: <http://pewglobal.org/database/?indicator=25&mode=table>, accessed: 27 April 2009].
- Pew Global Attitudes Project* (2006), "No Global Warming Alarm in the U.S., China", 13 June [available at: <http://pewglobal.org/reports/pdf/252.pdf>, accessed: 16 April 2009].
- Pew Global Attitudes Project* (2007), "Rising Environmental Concern in 47-Nation Survey", 27 June [available at: <http://pewglobal.org/reports/pdf/256.pdf>, accessed: 16 April 2009].
- Schams, M. (2006), "Persisch - Deutsch Übersetzer / Dolmetscher in Berlin", *Iranica Institute* [available at: <http://www.iranica.de/>, accessed: 2 December 2008].
- Smith, P. H. (2007), "The Hard Road Back to Soft Power", *Georgetown Journal of International Affairs*, winter/spring., available at: <http://www.publicdiplomacy.org/76.htm>, (accessed: 20 October 2008).
- U.S. Department of Commerce* (2008), "2008 Market Profile: Middle East", [available at:

http://tinet.ita.doc.gov/outreachpages/download_data_table/2007_Middle_East_Market_Profile.pdf, accessed: 11 October 2009].

U.S. Department of State (2009), "U.S. Embassies, Consulates, and Diplomatic Missions", [available at: <http://www.usembassy.gov/>, accessed: 23 February 2009].

United States Embassy (1951), "Notes on Expanded Program for Iran", 12 January [National Archives, Record Group 59, Records of the Department of State, Decimal Files, 1950-1954].

United States Embassy (1952), "Iran Cable from Loy Henderson to the Department of State" [Embassy Support for Iranian Magazine], 2 May [National Archives, Record Group 59, Records of the Department of State, Decimal Files, 1950-1954].

USAID (2009), "USAID's work in the Middle East" [available at: http://www.usaid.gov/locations/middle_east/, accessed: 5 October].

World Public Opinion (2006), "Global Poll Finds Iran Viewed Negatively", 3 February [available at: http://www.worldpublicopinion.org/pipa/articles/views_on_countriesregions_bt/168.php?nid=&id=&pnt=168, accessed: 11 April 2009].

World Public Opinion (2008), "Assessing Leaders Worldwide", 16 June [available at: <http://blogs.ft.com/westminster/files/2008/06/wpo-poll-on-world-leaders.pdf>, accessed: 21 April 2009].

World Public Opinion (2009), "Assessing Leaders Worldwide", 29 June [available at: http://www.worldpublicopinion.org/pipa/pdf/jun09/WPO_Leaders_Jun09_countries.pdf, accessed: 13 July 2009].